

پیشینه رضاخان قبل از کودتا

سه‌لعلی مددی

زمان پیش از جنگ دوم جهانی، عصر دیکتاتورها محسوب می‌شود: هیتلر در آلمان، موسولینی در ایتالیا، فرانکو در اسپانیا، استالین در روسیه، مصطفی کمال در ترکیه و رضاخان در ایران. درباره دیکتاتورهای آلمان، ایتالیا، اسپانیا، روسیه و ترکیه، چندان کتاب و مقاله نوشته شده که تا حدی تصور تاریخی ما از آنها تثبیت شده است. اما وضع شاه ایران کاملاً با آنچه گفته شد مغایر است. از هنگامی که وی بر تخت طاووس جلوس کرده بود می‌دانست چه باید بکند تا حقایق راجع به وی به خارج درز نکند. اما پس از استعفای وی، افکار عمومی جهان، چندان معطوف به چیزهای دیگر بود که فرصت نکرد به اندازه کافی وقت صرف شناسایی این شخص بکند.^۱

۱. سفرنامه بلوشر. ترجمه کیکاووس جهانداری. انتشارات خوارزمی. تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۵۰. وپورت فون بلوشر (Report on Blücher) از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵م) با سمت وزیرمختار آلمان، در ایران بوده است (بنگرید به: سیاستگزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، وزارت امور خارجه، دفتر آموزش و ارزشیابی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۵۳). وی یادداشت‌های ایام مأموریتش را در ایران، با عنوان گردش روزگار در ایران (Eitenwende in Iran) در سال ۱۹۴۹ در آلمان انتشار داد. این کتاب با نام سفرنامه بلوشر به فارسی ترجمه شده است. بلوشر درباره نخستین روز ورود خود به ایران و ملاقات با رضاخان، چنین آورده است: «درست روز پیش از ورود من به ایران «جریده معصور مونیخ» (Muenchener Illustrierte Presse) مقاله‌ای جنجالی با عکسهای فراوان تحت عنوان «شاه بی‌اصل و نسب» منتشر کرده بود. نویسنده آن شخصی بود به نام لو ماتیاس (Leo Mathias) و شاه بی‌اصل و نسب هم هیچ کس دیگری نبود جز رضاشاه پهلوی. در این مقاله ادعا شده بود پدر شاه آدمی است ناشناس و مادرش زنی است رختشوی و شاه به زنی دستور می‌دهد چکمه‌هایش را از پایش بیرون بیاورد. دیگر آنکه در سالهایی که افسر جزء بوده و موقتاً فرماندهی نگهبانان جلو سفارت آلمان را به عهده داشته از سفیر وقت آلمان کنت کوادت (Graf v. Seldt) سبلی خورده است.» (سفرنامه بلوشر، ص ۱۶۵). بلوشر همچنین درباره حضور رضاخان در سفارتخانه آلمان پیش از کودتا، می‌نویسد: «اولین بار که رضا در سال ۱۹۲۱ با بریگاد قزاق خود به تهران نفوذ کرد و مقامهای فرمانده کل قوا و وزیر جنگ را به عهده گرفت، مردم و افکار عمومی با نام او آشنا شدند. وی مردی بود از اهالی شمال، بلند و قوی هیکل و از خانواده‌ای ساده و فرودست که در سالهای قبل از جنگ

آنچه در تأیید سخن بلوشر می‌توانیم بگوییم این است که اکنون نیز، با گذشت هشتاد سال از وقوع کودتای ۱۲۹۹، هنوز پیشینه رضاخان چه قبل و چه بعد از کودتا، آن‌گونه که باید، مورد پژوهش منسجمی واقع نگردیده. و اندک مطالبی نیز که به‌طور پراکنده انتشار یافته است، بیشتر بر پایه اطلاعات شفاهی و خاطرات معمران آن روزگار نقل شده و ظاهراً دسترسی به اسناد قطعی در این خصوص، کمتر امکان‌پذیر گردیده است.

نگارنده در طی دهه گذشته، این توفیق را یافت تا به ۲ سند تصویری و نوشتاری، دست یابد: اولی مطالبی است از سفرنامه سیاحی هلندی به نام «موریس واخن فورت» (Maurits agenvoort) از نمایندگان پارلمان هلند - که در سال ۱۲۸۵ هـ.ش، در آخرین سالهای پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار، به ایران آمده است. وی در این سفر، دیداری با رضاخان داشته، آن هم در مجلس حاجی آخوند ابادی از رؤسای بایه تهران و از مستحفظان جسد باب. در آن ایام که این ملاقات انجام پذیرفته، رضاخان از طرف قزاقخانه، به مهتری اسپان سفارتخانه هلند مأمور بوده است و سیاح هلندی نتایج گفتگوی خود را با رضاخان، در صفحه ۸۴ سفرنامه خود گزارش کرده است. عنوان هلندی کتاب مزبور چنین است: Karavaanreis door uid Per i Santopoort که به فارسی مسافرت با کاروان به جنوب ایران معنا می‌دهد. سند یادشده را ویلم فلور (Floor) ایرانشناس معاصر هلندی و مؤلف کتاب اولین سفرای ایران و هلند در ۵ سپتامبر ۱۹۸۰ م، برای دوست خود دکتر حسین ابوترابیان فرستاده است و نامبرده نیز آن را برای چاپ، در دسترس این نگارنده قرار داده است. ویلم فلور در نامه خود به

→ جهانی اول به عنوان سربازی ساده وارد بریگاد قزاق شد. در دوره‌ای که افسری جز بود فرماندهی محافظان سفارت آلمان را به عهده داشت و در اثر هیکل درشت و براننده خود نظر همه مراجعان و مهمانان سفارت را به خود جلب می‌کرد. بدون اینکه احدی از آن میان به این فکر افتاده باشد که در برابر شاه آینده مملکت قرار گرفته است. بعد به سرعت به درجه سرهنگی رسید و در حین جنگ چندان از خود احتیاط و محافظه‌کاری نشان داد که هیچ‌کس نتوانست بفهمد او به کدام یک از طرفین وارد در جنگ دل بستگی دارد. پس از پایان جنگ بیشتر با به صحنه گذاشت و به این شهرت رسید که پراترزی‌ترین و خشن‌ترین افسران ایران است.» (همان، ص ۱۲۹)؛ وی در بخشی دیگر از خاطراتش، اشارتی دیگر به حضور رضاخان در سفارتخانه آلمان، پیش از کودتا می‌کند: «در اولین سالهای پس از نشستن شاه بر تخت سلطنت وی به میزانی محدود در زندگی اجتماعی شرکت می‌کرد. بدین ترتیب مثلاً وی هنگامی که کنت شولنبورگ [Graf von der Schulenburg] سفارت آلمان را در ایران به عهده داشت یک بار در ضیافت سفارت شرکت جست. در آن هنگام هم، کاظم به عنوان پیشکار و سرپرست خدمه مشغول خدمت بود. وقتی که مهمان جلیل‌القدر در بالای میز جای گرفت، برای یک لحظه افکار کاظم متوجه سی سال پیش شد و خود را در نظر آورد که دارد برای درجه‌داری به نام رضا که فرماندهی نگهبانان و محافظین را به عهده دارد از پس مانده سفره غذا چیزی به محل نگهبانی می‌برد. او - یعنی کاظم - هنوز پیشکار بود اما رضای درجه‌دار در این فاصله به شاه بدل شده بود.» (همان، ص ۲۰۲).



رضاخان سردار سپه نخست‌وزیر با شتل نظامی | ۱۸۰۴-۱۹۱۱

ابوترابی‌ان همچنین متذکر گردیده است که سند دیگری نیز در آرشیو وزارت خارجه هلند، موجود است که محتوای آن سند گزارشی است از وزیرمختار هلند در ایران به وزارت خارجه کشور متبوع خود پس از وقوع کودتای ۳ حوت ۱۲۹۹، قریب بدین مضمون: «فرمانده قزاقان کودتاکننده، یعنی رضاخان، همان قزاقی است که سالها قبل، محافظ سفارتخانه ما در تهران بوده است.»

در سال گذشته، که «سمینار بین‌المللی نهضت مشروطیت ایران» به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، در مرداد ماه در تهران و تبریز، برگزار گردید، نگارنده درباره این سند از ویلم فلور - که از مدعوین سمینار مزبور بود، پرسش کرد. ایشان ضمن تأیید این مطلب افزودند که در سفر آینده خود به هلند کوشش خواهند کرد تا کپی سند یادشده را، از آرشیو وزارت خارجه کشورش گرفته، به این جانب برسانند تا آن را نیز به طبع رسانم.

و اما دومین سندی که دسترسی به آن امکان‌پذیر گردید، در واقع عکسی است از رضاخان به همراه وزیر مقیم هلند. این عکس، در همان روزگار پایانی مظفری، در سال ۱۲۸۲ ه.ش، و در محوطه سفارتخانه هلند در تهران گرفته شده است. رضاخان، به طوری که پیشتر گفته شد، در آن زمان مهتر سفارتخانه مزبور بوده، و در این عکس به عنوان «مقیاس» در زمینه عکس قرار گرفته است. موضوع اصلی در این عکس «اسب» می‌باشد. و عکس مزبور را وزیر مقیم هلند، به نام «اف.ام. کِنِبِل» (F.M. Knobel) به دوست خود «غلامحسین خان صاحب اختیار» که در آن روزگار «وزارت عدلیه» مظفرالدین شاه را برعهده داشته، به یادگار داده است.^۲ عکاس این عکس، «آنتوان سوریوگین» (Antoine Sevruguin)، معروف‌ترین عکاس عصر قاجار می‌باشد و پشت‌نویس عکس هم که در آن به موضوع دریافت عکس از وزیر مقیم هلند و همچنین به نام رضاخان تصریح دارد، به قلم صاحب اختیار است.^۳

پایان بخش سخن، مطلبی است به قلم فریدون هویدا، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد و برادر امیرعباس هویدا؛ وی در کتاب خاطراتش با عنوان «سقوط شاه» با اشاره به پیشینه رضاخان و روشن نبودن ریشه خانوادگی محمدرضا پهلوی، چنین آورده است: «رضاخان نسبت به هیچ یک از پادشاهان ایران نمی‌رسید، تا جایی که حتی گفته شده رضاخان در اوایل شغل مهتری هم داشته است. و به این ترتیب خیلی طبیعی بود که شاه همواره رؤیای داشتن اصل و نسب باعظمت در ذهن خود پیوردد و حتی قبل از اینکه به فکر اتصال خود به کوروش بیافتد، خانواده خود را جزء طایفه «باوند» که از طوایف ریشه‌دار و کهن مازندران محسوب می‌شود - قلمداد کند و بگوید که پدر بزرگ و جدش نیز از افسران «ارتش قدیم ایران» بوده‌اند. ولی حقیقت این است که شاه هیچ‌گاه سعی نمی‌کرد ابهام موجود در اصل و نسب خانوادگی خود را روشن کند و به خصوص درباره زندگی پدرش قبل از پیوستن او به بریگارد قزاق سخنی بگوید.»^۴

۲. مدت زمان حضور (Knobel)، وزیر مقیم هلند در ایران، از ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۷ شمسی، (۱۹۰۳م)، ضبط شده است؛ رک: میاستگوران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، ص ۲۴۶.

۳. گوینده، در سال ۱۳۶۹ ه.ش، به راهنمایی شادروان محمدرضا آشتیانی زاده - از نوادگان مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی مجتهد معروف عصر ناصری - این عکس را در نزد برخی از بستگان صاحب اختیار (آقای مهندس رضا غفاری نواده فرخ‌خان غفاری) یافتم و برای نخستین بار، آن را در مقاله «دیدنی‌ترین عکس رضاخان» (رک: تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، مجموعه مقالات، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ نخست، بهار ۱۳۶۹، فصل سوم، اسناد، صص ۲۹۲-۲۸۳)، به چاپ رساندم.

۴. سقوط شاه، فریدون هویدا، ترجمه ج.ا. مهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۲۲-۱۲۱.